



## آیت الله خامنه‌ای و رهبری طلاب انقلابی هنر ارتباط گفت و گویا حجت الاسلام والمسلمین هاشمی گنجابادی

می‌خواهند با «شاه» مبارزه کنند!

در میان حوزویان غیرانقلابی، طیف‌های مختلفی وجود داشتند؛ از افرادی که با مبارزه مخالف بودند تا کسانی که اعتقاد به جرأت نداشتند. حوزه مشهد محدود بود و طلاب، یک‌دیگر را اجمالا می‌شناختند و رفت‌وآمد آن‌ها به مجامع مختلف، نشانه‌ای بود بر جهت‌گیری سیاسی آن‌ها. آن‌ها طلاب انقلابی را با عنوان «مجاهد» خطاب می‌کردند؛ البته نه از باب مجاهدین خلق... بلکه متلکی بود به ما که این‌ها می‌خواهند با «شاه» مبارزه کنند! یعنی باور نمی‌کردند که می‌توان با شاه مقابله کرد. البته طیف مقدسین کم‌کم به انقلاب پیوستند.

### سیاست حفظ وحدت

در میان طلاب انقلابی، نوعی وحدت حاکم بود و همه در یکی مسیر، البته با شدت و ضعف، حرکت می‌کردند. سیاست امام، حفظ وحدت بود و از ظرفیت همه نیروها استفاده می‌شد. بنابراین به‌رغم تفاوت نظری و عملی بسیاری از بیوت، از همه ظرفیت‌ها برای مبارزه با رژیم استفاده می‌شد. البته مناقشات فکری زیادی وجود داشت و مباحثی مثل تفکرات دکتر شریعتی، محل بحث و تجزیه و تحلیل بود.

### قرآن: با تفسیر طاغوتی!

طرفداران حکومت طاغوت در میان سخنرانان، مدیران مدارس و امامان جماعت حضور داشتند و سماع‌فردی می‌کردند و شناخته شده بودند. فرد باسوادی در میان آنان نبود و پشتوانه‌ای هم در حوزه علمیه نداشتند؛ اما کار شاه را همین تعداد اندک، با استقبال و دست‌پوسی «شاه‌شیعه» راه می‌انداختند! یکی از آن‌ها که صدای بسیار خوبی هم داشت، با حمایت اوقاف به تفسیر قرآن پرداخت و از سوره یوسف هم شروع کرد و این سوره را با بی‌زاکتی تمام به سوره شهوت‌رانی تبدیل کرده بود!

### اعزام مبلغ انقلابی و دفتر ساواک!

علاوه بر کار فکری، از طریق منبر و ارتباط با طلاب و مردم نیز فعالیت می‌کردیم. آیت‌الله خامنه‌ای طلاب اهل منبر را برای تبلیغ به نقاط مختلف کشور می‌فرستاد. اداره اوقاف رژیم طاغوت در مدرسه نواب دفتری را گذاشته بود تا طلاب هر روز آن‌را امضاء کنند تا ساواک در جریان حضور یا سفرهای تبلیغی طلاب قرار گیرد. این کار برای طلاب خیلی سنگین بود و شهید موسوی قوچانی آن‌را آتش زد!



حسن هاشمی گنجابادی متولد ۱۳۳۲، از حدود سال ۱۳۴۳ با رهبر معظم انقلاب آشنا شده و در رکاب ایشان به مبارزه با طاغوت را پیگیری کرده است. او امروز نماینده ولی‌فقیه در سازمان جهادکشاورزی خراسان رضوی است و با سوز دل از مبارزاتی می‌گوید که آثار شکنجه، هنوز در کف پاهایشان پیداست و امروز فراموش شده‌اند. هرچند که خود بر مسئولیت متقابل آن‌ها و جدانشدن از مردم نیز تأکید دارد.

به زعم خود آن‌ها را ترجمه می‌کردیم، ایشان وقت می‌گذاشتند و کار ما را اصلاح می‌کردند. مترجمان قدرت‌مندی در میان این حلقه‌ها تربیت شدند و البته افرادی هم بودند که نتوانستند تا آخر همراهی کنند و بریدند!

یکی از اهداف این کار این بود که طلاب به زبان عربی تسلط داشته باشند و بتوانند اطلاعات را مستقیماً از منابع عربی دریافت کنند؛ چون متون فارسی به شدت کنترل می‌شد؛ اما دستگاه طاغوت با زبان عربی آشنایی نداشت و حساسیتی به متون عربی نشان نمی‌داد!

### استقبال از تفسیر: در اوج خطر

در روزهای پنج‌شنبه و جمعه و سایر ایام تعطیل، جلسات تفسیری برای طلبه‌ها گذاشتند که از سه نفر شروع شد و به صداهان در مدرسه میرزا جعفر رسید. محل تجمعی برای طیف بزرگی از طلاب بود و البته تعداد کمی از غیرطلبه‌ها نیز حضور داشتند. از نظر کمی و کیفی جلسه کم‌نظیری بود و با وجود خطراتی که وجود داشت، استقبال پرشوری از آن می‌شد و هرچند که مباحث را به صورت ملایم مطرح می‌کردند، اما نهایتاً ساواک تحمل نکرد و ممنوع شد.

### فعالیت طلبگی و تشکیلات غیررسمی

در آن زمان سعی داشتیم که تشکیلات رسمی نداشته باشیم؛ چون با وجود خفقان و تسلط جهنمی ساواک، کشف هرگونه تشکیلاتی به زندان و تبعید و شکنجه و مرگ اعضای انجامید. بنابراین تشکیلات رسمی‌ای وجود نداشت و در قالب یک تشکیلات غیررسمی فعالیت داشتیم. اصولاً فعالیت طلبگی هم در آن زمان این‌گونه تعریف می‌شد و محدودیت طلبه در قالب یک چارچوب، چندان پذیرفته نبود. اما گروه‌هایی بودند که با هم جلساتی داشتند و برای کمک به فعالیت‌هایی مثل نشر اطلاعیه‌های امام و دیگران، برگزاری و انتظام تظاهرات و غیره برنامه‌ریزی می‌کردند.

### هنر رهبری: قدرت ارتباط

یکی از هنرهای ممتاز رهبر معظم انقلاب، ارتباط با جوانان و تعلیم آن‌ها و کادرسازی از میان آن‌ها بود و من کسی را سراغ ندارم که تا این اندازه از بیان رسا، اطلاعات گسترده و قدرت ارتباط بر خوردار باشد. جامعیت ایشان هم در دین‌شناسی و هم در جهان‌شناسی بی‌نظیر است. آن موقع ما متوجه نمی‌شدیم که عمق تحلیل‌های ایشان از تاریخ انقلاب‌های شرق و غرب چقدر است.

از زمانی که بنده ایشان را می‌شناسم، یعنی سال ۴۳، هیچ‌گاه آرام و قرار نداشته‌اند و همیشه با انگیزه بالا در خط مقدم و در حال فعالیت سنگین بوده‌اند. البته ما فقط در جریان فعالیت‌های ایشان در مشهد بودیم و فعالیت‌های ایشان در سایر نقاط، فراتر از این‌هاست.

### حلقات طلاب انقلابی

در مشهد، بخشی از بنده انقلاب را تعدادی از طلاب جوان تشکیل می‌دادند که تعدادشان رفته‌رفته با افزایش آگاهی‌ها و افشای جنایات شاه، گسترش یافت. در حوزه علمیه حلقات متعددی از طلاب انقلابی تشکیل شده بود که زیر نظر آیت‌الله خامنه‌ای فعالیت می‌کردند. یکی از فعالیت‌های آن‌ها، ارتباط و فعالیت مشترک با دانشگاهیان بود؛ اعم از مبادله کتاب، اعلامیه‌ها و اطلاعات و نیز شرکت در جلسات یک‌دیگر. بنابراین حوزویان و دانشگاهیان انقلابی به نوعی با هم گره خورده بودند.

### برای ما وقت می‌گذاشتند

ایشان گروهی از طلاب را با هدف ترجمه کتب روز عربی جمع کرده بودند و پس از آموزش و تمرین عربی معاصر، کتب عربی، به‌ویژه کتب مصری، که آن‌روز از هر نظر از ما جلوتر بودند را به فارسی ترجمه می‌کردند. کتاب «صلح امام حسن...» که کتاب بی‌نظیری در تاریخ امام حسن (ع) است را به شیوایی ترجمه کردند. ایشان کتاب‌ها، روزنامه‌ها و متونی را به ما می‌دادند و پس از این که

به سمت تشکیلاتی شدن حرکت نکرد؛ اما پس از انقلاب و در حالی که آیت‌الله خامنه‌ای به تهران رفته بود، در قالب روحانیت مبارز مشهد و با هدایت شهید هاشمی‌نژاد و آیت‌الله واعظ‌طیسی سامان یافت. این تشکل در اوایل انقلاب فعالیت‌هایی هم داشت؛ اما با تشکیل حزب جمهوری کم‌رنگ شد و دوامی نیافت و فعالیت بسیاری از افراد در حزب متمرکز شد؛ چون اکثر اعضا شورای مرکزی حزب در استان بودیم.

### جریان تحجیر: در برابر انقلاب

متجربین و مقدس‌نمایان حوزه با جریان انقلاب مشکل داشتند و به طعنه عنوان انقلابی یا مجاهد را برای طلاب انقلابی به کار می‌بردند و حتی انگ تارک‌الصلات و کمونیست و توده‌ای نیز به ما می‌زدند! در حالی که مفهوم کمونیست را هم نمی‌دانستند! مثلاً اولین راهپیمایی زنان کشور، با هدایت مقام معظم رهبری در مشهد شکل گرفت که باعث اعتراض مرتجعین شد؛ به این بهانه که شنیده شدن صدای زن حرام است! اما امام (ره) این حرکت را از عراق تأیید کردند و بر آن صحنه گذاشتند و در نتیجه به الگویی برای زنان کشور تبدیل شد.

اما بدنه حوزه و طلاب جوان، این طلاب را به عنوان طلاب انقلابی و در خط امام می‌شناختند و به آن‌ها احترام می‌گذاشتند؛ مثلاً وقتی یکی از طلاب انقلابی از زندان آزاد می‌شد به دیدنش می‌رفتند و از این طریق علاقه خود به امام و انقلاب را نشان می‌دادند.

### مکتب تفکیک و انقلاب

شاگردان میرزا مهدی اصفهانی که به مکتب تفکیک معروف شدند، عملاً دو دسته بودند و بسیاری از چهره‌های برجسته آن‌ها که اهل هوا نبودند، نظیر شیخ هاشم و شیخ مجتبی قزوینی، سیداحمد مدرس و میرزا جواد آقا تهرانی به امام پیوستند و پس از انقلاب هم همراهی کردند. مرحوم میرزا جواد آقا تهرانی در همه تظاهرات‌ها شرکت می‌کرد و حتی در تظاهرات علیه شریعت‌مدار در صف اول بود؛ چون معتقد بود او با امام‌المسلمین درگیر شده است. حتی ایشان به ملاقات مخالفان امام می‌رفت و به انحاء مختلف حمایت آن‌ها را جلب می‌کرد. حتی به دیدار سیداحمد خوانساری در تهران رفته بود و با استناد به روایت حق میهمان بر میزبان، ایشان را به دیدار با امام راضی می‌کند! یا در دیدار با آیت‌الله شریعت‌مداری، او را نصیحت کرده بود که پشت سر امام حرکت کند.